

زنده

برچیده از کتابخانه دیجیتال هندوستان <http://dli.iiit.ac.in>
باز تکثیر از کتابخانه کتاب فارسی <http://www.KetabFarsi.com>

برچیده از کتابخانه دیجیتال هندوستان
<http://dli.iiit.ac.in/>

مقدمه چاپ سوم

کتاب کوچک «رنه» که نخستین بار در چهارده سال پیش، همزمان چاپ اول کتاب «نغمه های شاعرانه» بزبان فارسی انتشار یافت، اکنون باز همراه نغمه های شاعرانه تجدید چاپ میشود، و خیلی خوشوقتیم که سومین چاپ رنه که اکنون بدست شما میرسد، مثل ششمین چاپ نغمه های شاعرانه که دو هفته پیش انتشار یافت، از همه چاپهای گذشته زیباتر و نفیس تر است.

در مدت درازی که از نخستین چاپ رنه میگذرد، این کتاب همیشه مورد علاقه خوانندگان بوده و بکرات قسمتهای مختلف آن در روزنامه ها و مجلات مورد نقل و اقتباس گرفته است.

شاید يك علت این توجه این باشد که قهرمان این کتاب با روح سودائی و آشفته و مخصوصاً افسرده خود در نزد جوانان ایرانی نظیر زیاد دارد و عده بیشتری هستند که در حقیقت خود را در صفحات رنه مجسم میکنند و وصف آلام و هیجاناتی روحی خویش را از زبان رنه میشوند.

مقدمه چاپ های اول و دوم رنه شامل شرح مفصلی درباره زندگی و آثار شاتوبریان بود که شاید با کتابی بکوچکی رنه تناسب نداشت، لهذا در این چاپ نیز این مقدمه نقل شد، زیرا بهتر بود که چاپ تازه رنه بهمان صورت که خوانندگان عزیز من آنرا در طول سالها دیده و پسندیده اند بدست خوانندگان تازه برسد و در آن تغییری روی ندهد.

تهران - شهریورماه ۱۳۳۰

شجاع الدین شفا

مقدمه چاپ دوم

کتاب «رنه» نخستین بار در چند سال پیش، مانند امروز، به همراه کتاب «نغمه‌های شاعرانه» لامارتین که دو آن هنگام چاپ آن برای سومین مرتبه در ظرف چند ماه تکرار میشد انتشار یافت، و مانند «نغمه‌ها» در مدت بسیار کمی کلیه نسخه‌های آن بفروش رفت، لیکن با کمال مبلی که من به تجدید طبع این کتاب داشتم تا امروز این کار بتعویق افتاد، زیرا در مرحله اول مسافرت من به خارج از ایران و پس از آن حیات نامه‌نگاری چند ساله فرصت تجدید نظر در ترجمه این کتاب را که بنظر من قبل از تجدید چاپ آن لازم بود بمن نداد. امروز ترجمه کتاب «رنه» با اصلاحات و تغییرات مختصری از نو بدست شما میرسد و امیدوارم بدین صورت تازه آنرا بیشتر خواهید پسندید.

من نمیدانم «رنه» مورد پسند خوانندگان تازه خود قرار خواهد گرفت یا خیر ولی میتوانم بگویم که خود من، هرگز از خواندن کماهی باندازه این اثر کوچک شاتوبریان لذت نبرده‌ام، زیرا «رنه» يك نقاشی زنده از هیجانات و بحرانی‌های مبهم و شدید روحی است که متأسفانه من پیش از آنچه باید با آن آشنایی داشتم.

«رنه» بنظر من تنها يك داستان مهیج، يك رمان یا يك بیوگرافی نیست، این کتاب يك قطعه ملایم و حزن‌انگیز موسیقی، يك شعر سوزنده و پرشور، يك رؤیای مسحورکننده و در عین حال آشفته بیشتر شباهت دارد در این کتاب هر کس که با بحران‌ها و رنجهای روحی آشنا باشد یکی از بهترین نقاشی‌هایی را که تاکنون در عالم ادب ازین رنجها و بحران‌ها شده است خواهد یافت.

من ترجمه کتاب «رنه» را قبل از همه باین قبیل خوانندگان خود تقدیم میکنم و یقین دارم که با همه کوچکی خود بیش از بسیاری از کتابهای قطور مورد علاقه ایشان قرار خواهد گرفت.

تهران - اول مرداد ماه ۱۳۲۵

تجارع‌الدین سفا

شرح حال و آثار

شاتوبریان

فرانسوارنه اوگوست ویکنت دوشاتو بریان ۱ فرزند « کنت

دوشاتو بریان » و « سوزان آپولین دوبده » در روز چهارم سپتامبر ۱۷۶۸ در « سن مالو » ۲ در قصر خانوادگی کمبور ۳ پای بهستی نهاد . پدر و مادرش بجز او نه فرزند داشتند و فرانسوا اوگوست که بعدها یکی از بزرگترین نویسندگان فرانسه شد دهمین و آخرین آنها بود .

پس از طی دوران کودکی که برای وی ساده و بی حادثه بگذشت در سال ۱۷۷۷ بتحصیل پرداخت و در ۱۷۸۱ در شهر بروت در امتحان آموزشگاه دریایی موفق گردید و پس از پایان تحصیل برای دیدار پدر و مادریه کمبور باز گشت .

طی چند سالی که وی باتفاق خواهرش لوسیلا ۴ درین قصر گذرانید نخستین احساسات مذهبی و ادبی در دلش بیدار شد . آرامش و صفائی که پیوسته درین عمارت حکمفرما بود ، با زیبایی طبیعت درین ناحیه دست بهم داده در او تأثیر بسیار بخشید و پیش از آنکه خود چیزی ازین تغییر دریابد ، غوغای عشق و احساسات در دلش افکند .

اقامت او در قصر پدری تا سال ۱۷۸۵ بطول انجامید و درین چند سال وی آثار قسمت اعظم از نویسندگان بزرگ عهد خویش را مطالعه

۱ - François - René Auguste, Vicomte de
Chateaubriand

۲ - Saint-Malo

۳ - Combourg

۴ - Lucile کوچکترین خواهر شاتوبریان بود و در حقیقت سرگذشت

غم انگیز اوست که بنیاد داستان رنه بشمار میرود .

کرد. خاطراتی که بعدها از زنده گانی خود درین قصر، در کتب «رنه» و «خاضرات بعد از غور» نقل میکند متعلق بهسین دوره است. با این همه جوان شعر پرست فرانسوی ناگهان دست از اقامت در کاخ پدری بشت و در سال ۱۷۸۶ داوطلب خدمت در دانشکده افسری پاریس شد و در همان سال با درجه ستوانی در هنگ معروف «ناوار» مأمور ناحیه کامبره گردید.

چندی پس از آن توسط برادرش کنت دوشانو بریان بدربار لوئی شانزدهم راه یافت، لیکن در سال ۱۷۸۹ که نخستین برق انقلاب در آسمان سیاست فرانسه درخشید، وی از راه احتیاط از مقام خویش کناره گرفت و بار دیگر در پاریس اقامت گزید و تا ۱۷۹۱ درین شهر توقف داشت. در پاریس شاتوبریان با شعر او نویسنده کان معروف آن دوره از قبیل لاهارپ و «لبرن» و «پارنی» و «شانهور» و «فونتان» و غیره آشنا شد و بگفته خودش «دریچه ای از نور بر قلب خویش بگشود». در همین هنگام نخستین اثر ادبی خود را بنام «عشق روستائی» انتشار داد.

درین وقت که دوران شهرت طلبی و ماجراجوئی او بود، خیال غریبی در سرش پدید آمد.

معامل سیاسی و جغرافیائی فرانسه از مدتی دراز در اطراف وضع طبیعی و سیاسی امریکای شمالی سخن می گفتند، و شاتوبریان که غالباً

۱ - La Harpe شاعر و نقاش فرانسوی، مؤلف کتاب «دوره ادبیات قرن هفدهم» (۱۷۳۹ - ۱۸۰۷)

۲ - Lebrun شاعر فرانسوی (۱۷۲۹ - ۱۸۰۷)

۳ - Parny نویسنده و شاعر فرانسوی که مخصوصاً دارای اشعار عاشقانه زیبائی است (۱۷۵۳ - ۱۸۱۴)

۴ - Chamfort استاد علوم اخلاقی و ادیب معروف فرانسوی که در نتیجه مخالفت با انقلابیون فرانسه خودکشی کرد (۱۷۴۱ - ۱۷۹۴)

۵ - Fontanes استاد ادبیات فرانسه در دانشگاه پاریس، صاحب تحقیقات ادبی فراوان (۱۷۵۷ - ۱۸۲۱)

ذیرن مغافل حاضر بود بهوای شهرت درخیال افتاد که راهی از امریکا برای وصول بندریاهای قطبی پیدا کند . با این قصد روز هشتم آوریل ۱۸۹۱ برای حرکت بامریکا پای در کشتی نهاد و نقشه او این بود که از میان دریا های گروئنلند گذشته داخل خلیج کالیفرنسی و تنگه هودسن گردد و از آنجا بخاک لابرادور و کانادا قدم گذارد . شاید اگر او در انجام نقشه خویش موفق شده بود ، تاریخ افتخار کشف راه قطب را بعوض اسکلیسها بنام فرانسویان ثبت میکرد .

وداع غم انگیز او در هنگام عزیمت بامادر عزیزی که دیگر او را ندید و بایاران موافقی که دو سال بعد در زیر ساطور انقلاب جان سپردند از مؤثرترین وقایع زندگی اوست . شانوبریان درین وداع ساعت ها گریست و تنها وقتی که کشتی در میان امواج کوه پیکر سوی کشوری آزاد براه افتاد اندکی آرام گرفت و نفسی بآسودگی کشید . شاید مسافر شوریده دل خبر نداشت که دست تقدیر دورش می کرد نا از ضربت نیغه مهیب گیوتین درامان بماند .

در دهم ژوئیه همین سال شانوبریان بعد از سفری سه ماهه ، در بندر بالتیمور پیاده شد و بخاکیکه مردمان آن آزاد زندگی میکردند درود گفت . شهرهای فیلادلفی و نیویورک و پستن را بدقت تماشا کرد .

هنگامیکه بیدار آبشار نیاگارا شناخت چندین شب و روز در کوهستانها و دره های اطراف آن که شاید نا آزمان کمتر بای بشری بدانجا رسیده بود متواری و سرگردان بود و در این موقع یادداشت بی تاریخ ۱ خویش را بنگاشت .

ملاقات او با جورج واشینگتن پیشوای رشید کشور آزاد امریکائری مراوان در دل او بخشید ، چنانکه وی این لحظه را همواره از لحظات تاریخی زندگی خویش محسوب داشت .

درین ایام انقلاب کبیر فرانسه آغاز شده بود .

شاتوبریان که این خبر را شنید با شتاب بکشتی نشست و چندی پس از آن بفرانسه رسید. در یکی از جنگ‌های هولناکی که فرانسه در داخل و خارج سرگرم آن بود، در نزدیک تیون ویل مجروح شد و مدتی در بلژیک بسرگردانی گذرانید.

هنگامیکه در سال ۱۷۹۳ عزم بازگشت بفرانسه کرد آتش انقلاب در تمام فرانسه شعله کشیده بود و شاتوبریان ناگزیر شد به انگلستان فرار کند. این دوره دوری او از میهن درست ۷ سال یعنی تا مه ۱۸۰۰ طول کشید.

درین مدت شاتو بریان که سخت ترین دوره های زندگی خود را می گذرانید همواره بفقروپریشانی دچار بود و از بدبختی و تنگدستی شکایت داشت. نخستین کتاب خویش را درین تاریخ بنام «تحقیق در اساس انقلابات» ۱ در لندن انتشار داد که نسبتاً موفقیتی یافت. این کتاب سراسر با احساساتی تلخ و یأس آمیز آمیخته بود و هنوز سخنی از مدح مسیحیت در آن نرفته بود، زیرا شاتو بریان تا سال ۱۷۹۸ که مادر و خواهر بزرگش را از دست داد هنوز مانند غالب مردان متفکر دوره خویش مادی و بی عقیده بود.

در ماه مه سال ۱۸۰۰ در لندن کتاب دیگری بنام «جلال مسیحیت» ۲ انتشار داد که بزرگترین اثر دوره زندگی او بود، لیکن این طبع بسیار مفلوط بود، چنانکه معمولاً تاریخ طبع این کتاب را سال ۱۸۰۲ می شمارند.

۱ - Essai sur les Révolutions

۲ - مادر او در آخرین دقائق عمر خود آرزو کرده بود که پسرش براه راست باز آید و بار دیگر همچون زمان کودکی مردی مذهبی و باایمان گردد. بعدها شاتو بریان در این باره می نویسد: «همینکه این حرفه مادرم را از زبان آنانی که بر باین مرگش حاضر بودند شنیدم سر بزیر افکندم و ساعتها گریستم. و قتیکه سر برداشتم يك مسیحی حقیقی شده بودم.»

۳ - Le Génie du Christianisme

چند روز پس از نشر « جلال مسیحیت » دوره هفت ساله جلالی وطن شاتوبریان پایان یافت و وی باقلبی آکنده از شوق بیدار کشور عزیزش شتافت . يك سال پس از آن یعنی در سوم آوریل ۱۸۰۱ داستان « آتالا » را انتشار داد .

فکر نگارش این کتاب از زمانی که با آمریکا سفر کرده و چند صباحی با زندگانی وحشیان خو گرفته بود درسش بنده آمده و از همان هنگام بتألیف این اثر عالی خود پرداخته بود .

داستان آتالا پس از انتشار مورد حسن استقبال فراوان گرفت ، چنانکه یکماه بعد از چاپ اول چاپ دوم و سه ماه بعد چاپ سوم آن منتشر شد و از آن پس تا سال ۱۸۰۲ پنج بار و تا ۱۸۰۵ که این کتاب به همراه کتاب دته انتشار یافت دوازده بار چاپ آن تکرار گردید .

پس از نشر آتالا نام شاتوبریان بر سر زبانها افتاد و روزنامه ها به تعریض او و شاهکارش پرداختند . لیکن متقدین آتالا نیز بسیار زیاد بودند ، همین باعث شد که در هر چاپ تازه شاتوبریان از قسمتی از مطالب آن بکاهد و بر قسمت دیگر بیفزاید ، چنانکه چاپ دوازدهم که خود او آنرا « آتالای حقیقی » می داند با نمونه نخستین چندین شباهت ندارد .

هنگامی که شهرت او بعد کافی آرسیده بود دوباره بفکر طبع « جلال مسیحیت » افتاد و این کتاب بار دیگر در ۱۴ آوریل ۱۸۰۲ انتشار یافت . این روز یکی از روزهای برجسته زندگانی شاتوبریان است ، زیرا بزرگترین اثر ادبی او درین هنگام بدست مردم رسید و بدین ترتیب یکی از برجسته ترین آثار مکتب رمانتیک انتشار یافت .

طبع جلال مسیحیت انقلابی در محافل ادبی فرانسه افکند ، زیرا با انتشار آن سبک تازه ای در نویسندگی پا بوجود گذاشته بود . مردم از گوشه و کنار بخواندن آن روی آوردند و صد ها تن بر آن تعریض پا

انتقاد نوشتند .

این ابراز مخالفت ها و موافقت ها چندین سال دوام یافت ، لیکن شاتوبریان تا ۲۴ سال بعد بهیچیک از آنها پاسخی نداد . داستان «وله» ۱ همچون «آتالا» یکی از فصول این کتاب است .

یکسال پس از نشر این کتاب شاتو بریان از طرف ناپلئون بسمت نیابت سفارت فرانسه در رم منصوب شد و سال بعد از آن بسمت وزیرمختاری ترفیع یافت ، لیکن هنوز ماهی چند نگذشته بود که وی بشنیدن خبر اعدام دوک دانگن ۲ از مقام خود کناره گرفت و از آن پس برای تحقیق در وضع زندگانی مللی که میخواست در کتاب آینده خود «شهادا» ۳ از آنان سخن گوید مدتی در سفر بسربرد .

از ۱۸۰۵ که بفرانسه بازگشت تا ۱۸۱۱ زندگی آرامی داشت . در ۱۸۰۶ کتاب «سفر بمون بلان» ۴ را انتشار داد و سپس بسوی بیت المقدس روانه گشت .

در بازگشت مدتی انزوا گزید و بنگارش کتاب مشهور خود «شهادا» پرداخت که در مارس ۱۸۰۹ انتشار یافت و شاتو بریان بلافاصله پس از این کتاب نوشتن «خاطرات» خود را آغاز کرد .

در ۲۰ فوریه ۱۸۱۱ شاتو بریان بتوصیه ناپلئون بهضویت فرهنگستان فرانسه منصوب شد . تا آنزمان اعضای آکادمی که با سپک تازه رمانتیسیم مخالفت فراوان داشتند او را داخل جرگه خود نکرده بودند ، لیکن معروفیت

۱ - René

۲ - Duc d'Enghien سردار بزرگ فرانسه ، سرپرست دوکنده معروف و از افراد برجسته خاندان بوربن بود که پس از روی کار آمدن ناپلئون به پروس رفت و در سال ۱۸۰۴ بحکم ناپلئون از آنجا روده شده در «ونسن» تیرباران گردید .

۳ - Les Martyrs

۴ - Le Voyage à Mont-Blanc

که فردای روز انتشار « منازل از پاریس تا اورشلیم ۱ » ناپلئون که این اثر او را خوانده بود در یکی از دالان های لوور به نمایندگان گفته بود:

— نمی فهمم چرا شاتوبریان عضو فرهنگستان فرانسه نیست ؟

این گفته که در حقیقت امریه ای بود دهان بدهان گشت و بی فاصله در دفتر فرهنگستان فرانسه ضبط گردید. روز بعد از مرگ ژوزف شنبه قرار شد مقام او بشاتوبریان محول گردد ، لیکن اینکار نیز تا سالی انجام نگرفت و یکبار دیگر دخالت ناپلئون لازم آمد تا شاتوبریان بتواند درجنگ با اعضای آکادمی که با تمام نیروی خود از انتشار کتب جلال مسیحیت و شهدای او مسامتت میکردند پیروز بدر آید .

با اینهمه این اقدام ناپلئون از طرف شاتوبریان بد تلافی شده زیرا چندی بعد این عضو تازه فرهنگستان فرانسه مقاله مفصلی نگاشت که در آن بتفصیل از حکومت آنروز فرانسه سخن رانده و بطور غیر مستقیم بنا به ارباب را مورد حمله خود قرار داده بود .

دفتر آکادمی این نوشته را خیلی زننده یافت و مجبور شد که قبل از اینکه خواندن آنرا اجازه دهد با کارمندان فرهنگستان فرانسه بشورت پردازد. بدین ترتیب دو تیرگی سختی میان موافقین و مخالفین پدیدار گردید و این اختلاف عقیده حتی از محیط آکادمی بیرون رفته تمام پاریس سرایت کرد و گفتگوی آن نقل معامل شد .

بالاخره ناپلئون که ناظر همه وقایع بود متن این مقاله را بخواند و وقتی که خواند آنرا در آتش انداخت . معروفست که یکی از نزدیکان او کنت دو سگور که عضو فرهنگستان و هواخواه شاتوبریان بود برای اینکه شاید اجازه خواندن آنرا بگیرد مدتی دراز نزد ناپلئون با استدلال و تقاضا پرداخت ، لیکن امپراتور پس از همه گفته های او لحظه ای چند بدو مگریمت و پاسخی نداد :

— آقا! شما از کی ریاست مملکت را به عهده گرفته اید؟
در نتیجه شاتوبریان دچار شکستی توهین آمیز گردید و نتوانست
خطابه خود را قرائت کند. درین روز دشمنی دیرین او با ناپلئون بعد
کمال رسید و از آن پس این دشمنی پیوسته دوام یافت، لیکن عظمت روز
افزون مقام ناپلئون چنان بود که او را پروای ابراز دشمنی آشکار نداد.
با این همه ناپلئون که از کینه او بهره‌ز داشت همواره با او بمبارا
و عتار میکرد.

بگردد که از او پرسیدند چرا نمیکوشید که با شاتوبریان از در
دوستی درآئید؟ وی پاسخ داد:

«بعقیده من بهتر است شاتوبریان از روی میل با من دشمن باشد تا
از راه اجبار دوست شود!»

وقت دیگر شاتوبریان گفته بود: «ناپلئون مرد بزرگی است، لیکن
سینه خواهد کس دیگر را نیز در کشور خود بزرگ بیند.»

این حرف بگوش ناپلئون رسید و او با آرامی چنین پاسخ داد:
«راست میگوید، بهین دلیل چون او بزمرد بزرگی است او را
از فرانسه خارج خواهم کرد». و همان روز حکم تبعید او را برایش
مرستاد.

بالاخره آرزوی شاتوبریان برآورده شد. ستاره اقبال ناپلئون در
ماه مارس ۱۸۱۴ افول کرد و ترکناز بزرگ اروپا از دنیای پهناور به
جزیره ای ناچیز قناعت ورزید. وقتی این خیر ایشار یافت مردم پاریس و
فرانسه در اضطراب فرورفتند و همه از خود پرسیدند که آیا دشمن پیروز
چه کس را بریاست آنان بر خواهد گماشت؟

ازین روز است که زندگانی سیاسی شاتوبریان آغاز می شود
(۱۸۱۴ — ۱۸۳۰).

۱ — گفته های ناپلئون درین موقع بسیار زیاد و در حقیقت يك خطابه
عالی ادبی و سیاسی است. متن کامل این اظهارات در خاطرات سنت هلن
مندرج است.

در ۳۰ مارس ۱۸۱۴ ، اثر مہیجی از شانو بریان بنام « بوآوناپارت و بوربن‌ها » انتشار یافت و موضوع بازگشت خاندان بوربن را که از خاطرها فراموش شده بود یاد مردم آورد . مندرجات این کتاب کوچک بفاصله چند ساعت در پاریس با اطلاع مردم رسید و نام لوئی هیجدهم را بر سر زبانها انداخت . کتاب بوآوناپارت و بوربن‌ها که در حقیقت يك نطق سیاسی است چنین آغاز میشود :

« من هرگز گمان نمیکنم که این سطور را در لحظه مرگ فرانسه مینویسم . من باور نمیتوانم کرد که پس از دریافت کیفری که شایسته آنیم روز هفت و آسایش در پیش نداشته باشیم .

« کشور ما که باز مانده بزرگترین شاهان جهان است نباید بدست یگانگان تقسیم گردد . مملکتی که رم در هنگام جان دادن بیاد کار عظمت دیرین خویش بر فراز ویرانه‌های امپراتوری خود بنیاد نهاد در چنگ دیگران ناپود نخواهد شد .

« حوادث بزرگ دنیا تنها زاده اراده مردان بزرگ نیست ، زیرا دست تقدیر است که حوادث را پدید میآورد .

« چگونه میتوان بی توجه باراده خداوندی رمز ترقی عجیب و سقوط عجیبتر مردی را که زمانی عرصه دنیا بزیر قدمهای بیروزمندش میلرزید دریافت ؟ هنوز پانزده ماه از وقتی که عتاب او مسکو را بزیر بالهای خود گرفت نگذشته و اکنون روسها پاریس را در چنگ خود آورده اند .

« همه جا از ستونهای با عظمت معبد هر کول نداشتهای وسیع فقط از در زیر فرمان او چون یخ بفرز میسافتاد و اکنون او جز يك تن فراری سرگردان و بیجا و مکان نیست . قدرت او همچون مد دریا بالا رفت و همچون جزر آن فرونشست . »

پس از آنکه لوئی هیجدهم دو باره بر تخت سلطنت فرانسه نشست

شاتوبریان مقام وزارت یافت ، لیکن هنوز هیچیک بدرستی در جای خویش استوار نشده بود که خبر بازگشت ساپلئون از جزیره الب در فرانسه پیچیده و سراسر کشور مشتاقانه خود را در آغوش قهرمان باز یافته خویش افکند .

روز ۱۰ مارس ۱۸۲۵ بناپارت باشکوه و جلالی بیش از همیشه وارد پاریس شد و شب همانروز لویی هیجدهم که در مقابل رقیب پیروزمند شکست خورده بود با سه نفر از همراهان خود در کالسکه ای سربسته نشسته تاشهر کان یکسره تاخفتند . یکی از این سه نفر شاتوبریان بود و دو نفر دیگر هواخواهان او بلاکاس و مارمون .

درین مدت بازهم شاتوبریان در نزد لویی هیجدهم که بناپارت را غاصب و خود را معنی میدانست مقام وزارت کشور را داشت و پس از اینکه دوره صد روزه سپری شد و میدان واترلو کار ساپلئون را یکسره کرد بار دیگر لویی هیجدهم بیاریس بازگشت و این بار مقام «پردو فرانس» را بشاتوبریان بخشید .

در ۱۸۱۹ شاتوبریان کتاب انتقادی «حکومت مشروطه» را منتشر ساخت و در همان سال با همراهی «لامنه» و «بناند» مجله کنسروآتور را تأسیس کرد . در سال ۱۸۲۱ سفارت فرانسه در برلن و در ۱۸۲۲ سفارت لندن منصوب گشت . سال بعد در کنگره معروف « ورون » بنسایندگی فرانسه شرکت جسته نطق مشهور خود را ایراد کرد و در همان سال بمقام وزارت امور خارجه ارتقاء یافت .

در سال ۱۸۳۴ پس از مرگ لویی هیجدهم او نیز منضوب واقع شد و از مقام خود معزول گشت و ستاره بخت او که بالوئی طلوع کرده بود با او نیز زوال یافت و اندک اندک غروب کرد .

پس از این که از مقام سابق برکنار شد بحزب مخالف دولت یعنی آزادخواه پیوست و در اداره « ژورنال ده شبا » شرکت کرد . در

سال ۱۸۲۷ طبع مجموعه کامل آثار او آغاز گردید و در همین سال کتاب‌های «ماجراهای آخرین ابن سراج ۱»، «ناچرها» ۲، «سفر ایتالیا ۳» و «سفر مون بلان» بعنوان نخستین مجلدات این مجموعه انتشار یافت. کتاب ماجراهای آخرین فرد خاندان ابن سراج در حقیقت مکمل داستان شهداست، زیرا در موقع نوشتن کتاب شهدا شاتوبریان بر اثر انگیزسیون تاریخی اسپانیا نتوانسته بود بدانشامان سفر کند. بعدها که ناپلئون انگیزسیون را در اسپانی برانداخت شاتوبریان نیز سفری بدانجا کرد و «وقایع آخرین ابن سراج» را که مربوط بدوره حکومت اسلامی اسپانیا و شامل قطعه‌ای زیبا بنام «شب الحرام» است نگاشت.

در ۱۸۲۷ کتاب «سفر آمریکا» را نیز در آثار کامل خود منتشر کرد.

در ابتدا آثار کامل شاتوبریان به ۳۱ جلد قسمت میشد، لیکن بعدها تعداد مجلدات آن کمتر و صفحاتش بیشتر گشت و در ۱۸۶۲ کاملترین طبع آن در ۹ جلد منتشر شد.

در سال ۱۸۲۸ یکبار دیگر دولت فرانسه مقام سفارت فرانسه را در رم بدو بخشید، لیکن وی یکسال بعد، ایندفعه بر اثر شنیدن خبر وزارت «دوک دوپولینیا» از کار خود کناره گرفت و بفرانسه باز گشت. دوره سفارت شاتوبریان در ایتالیا از ادوار برجسته زندگی اوست. در سال ۱۹۳۴ با تئوکار عهد و پنجمین سال این واقعه مجلس بزرگ جشنی در رم منعقد شد و موسولینی خود پرده از روی مجسمه‌ای که بیادگار شاتوبریان نصب شده بود برگرفت.

۱- Les Aventures du dernier Abencérage

۲- Les Natchez

۳- Le Voyage en Italie

۴- Nuit à L'Alhambra

۵- Le Voyage en Amérique

در سال ۱۸۳۰ شاتوبریان به «اردنانس» ۲۹ ژوئیه «دوک دو پولینیا» اعتراض کرد و بر اثر این اعتراض از مقام «پردو فرانس» نیز استعفا نمود و بکلی از خدمات دولتی کناره جست، معینا چون پس از این واقعه ادامه اقامت او در فرانسه غیر ممکن بود در ۱۸۳۱ بژنو رفت و در آنجا کتاب «تبعات تاریخی» را انتشار داد.

یکسال بعد که دوباره بفرانسه بازگشت بر اثر نشر کتاب «خاطرات اسارت دوشی دوبری ۲» از طرف نوئی فیلیپ بازداشت شد و پرداخت جریمه ای سنگین محکوم گردید. لیکن بیشتر نسخه های این کتاب در روز اول انتشار بفروش رفت و بدست مردم افتاده بود. از آن پس تا سال ۱۸۳۶ شاتوبریان انزوا اختیار کرد و تکمیل کتاب «خاطرات بعد از مرگ ۳» خود که از سال ۱۸۰۹ نوشتن آنرا آغاز کرده بود پرداخت. ازین قرار نگارش این کتاب تا ۱۸۴۵ یعنی ۳۶ سال بطول انجامید.

شاتوبریان این کتاب را ۱۳ سال قبل از مرگ خویش یعنی در ۱۸۳۶ یکی از بنگاه های طبع کتب فروخت بشرط اینکه تنها سه روز پس از مرگ او انتشار یابد، و بهین جهت بود که نام آنرا «خاطرات بعد از گور» نهاد.

از سال ۱۸۳۳ تا ۱۸۴۸ دوره انزوا و آسایش شاتوبریان است. درین زمان نویسنده بزرگ فرانسه که پیر شده بود احتیاج مبرمی باسراحت داشت، و با این وجود هرگز از نوشتن باز نایستاد. مهمترین آثار او درین دوره عبارتند از:

«تبع در ادبیات انگلیسی ۴» که در سال ۱۸۳۶ بهرراه

۱- Etudes Historiques

۲- Mémoires sur la Captivité de la Duchesse de Berry

۳- Mémoires d'Outre - tombe

۴- Essai sur la littérature anglaise

ترجمه «بهشت گمشده» میلتون انتشار یافت، «کنگره ورن» ۱۸۳۸،
«زندگانی رانسه» ۱۸۴۴ و دو کتاب کوچک دیگر که بعدها مجموعاً
در یک جلد درآمد.

درین چندسال از هر طرف سختی و مصیبت بنویسنده بزرگ فرانسوی
هجوم آورد. از یکسو پیری و فشار مخالفین رمانتیسیم با دشمنان شخصی و
از سوی دیگر تنگدستی و تنهایی باخوی آتشین و طبع آشفته او دست
بهم داده و این کله پرشور را از زندگی نومید و خست کرده بودند. تنها
چیزی که درین سالیان پیری اندکی مایه تسلی دل او بود عشق آتشین
او نسبت به «مادام رکامیه» دلبر شهر آشوب فرانسوی بود و شاتوبریان
که پیرانه سرعشق جوانی در سر داشت سکمک این آتش میسر بخش کانون
دل پرشوری را که سالها پیتس سرد شده بود بار دیگر نور و گرمی
بخشید.

در سال ۱۸۴۸ مرارتی تازه بدو روی آورد، زیرا کتابفروشی که
حق طبع انحصاری «خاصرات بعد از مرگ» او را داشت از بیم اینکه زندگی
شاتوبریان بدر از انجامد پیمان شکنی کرد و طبع نخستین صفحات این کتاب
را آغاز نمود، لیکن این ملالت تازه دیری نپایید و با مرگ شاتوبریان
پایان یافت.

۱ - La Vie de Rancé کشیش و مصلح فرانسوی (۱۶۲۶-)

(۱۷۰۰)

۲ - Madame Récamier خانم زیبا روی و نامی فرانسوی که

از ۱۷۷۷ تا ۱۸۴۹ زندگی کرد و در آخرین سال عمر او هنوز مردان
مریفته جمال بینظیرش بودند و بهین جهت «گل همیشه بهار» لقبش داده
بودند. بهترین تصویر او که توسط «داوید» رسم شده اکنون در موزه
لوور است. عشقبازیهای مردان بزرگ فرانسه با مادام رکامیه منجمله ناپلئون
و مقاومت او درین مورد که منجر بسببید وی از باریس شد مشهور است. مجموعه
نامه‌هایی که میان مادام رکامیه و شاتوبریان رد و بدل شده است نیز در ادبیات
فرانسه مقامی بلند دارد.

این واقعه در چهارژوئیه ۱۸۴۸ اتفاق افتاد، و او بر حسب وصیت خودش در جزیره کوچک گران به ۱ مقابل سن مائو بخاک سپرده شد تا بقول خود « از پس امواج لاجوردین دریا نگران فرانسه محبوب خویش باشد. »

من خود این آرامگاه شاهراة او را دیدم و همانجا بیاد خیام افتادم که آرزو کرده بود « گور او درجائی باشد که هر بهار درختان بر آن گل افشاندند. هر کسی در چنین نقطه ای بدین فکر میافتد که زندگی حقیقی شاعران و نویسندگان پس از مرگ آنهاست.

مرگ شاتوبریان برای کشور او ضایعه ادبی بزرگی بشمار رفت، بدینجهت تامدنی مجالس نطق و یادبود متعدد بیاد او برپا گردیده و ملت فرانسه نیز که بر سر درپانتئون نوشته بود: « کشور نسبت به مردان بزرگ خویش حق شناس است » عزاداری باشکوهی برایش بعمل آورد و بدین ترتیب سراسر ملت فرانسه از فرزند بزرگی که در دامان پروریده بود قدر دانی کرد.

افسوس که دیگر شاتوبریان نمیتوانست بدین اوضاع نظر اندازد و با همان زبانی که بارها در لحظات سخت کشور فرانسه را بجوش و خروش افکنده بود از هموطنان خویش تشکر کند. او در آرامگاه ابدی خود خفته بود لیکن اطمینان داشت که ناهش همواره جاوید نخواهد ماند. مردان سخن پیش ازین چه میطلبند؟

نظریات برخی از مردان

بزرگ دربارۀ شاتوبریان

شاتوبریان دارای قلبی است که در آن پیوسته مقدس‌ترین آتش طبیعت شعله میکشد. شیوۀ کلام او تقلیدی از راسین نیست، طریقه ایست که از پیبران بارث برده است.

ناپلئون بناپارت ۱

جددی که در ادبیات فرانسه پدید آمده و بار دیگر جهان ادب را با انقلاب افکندۀ است، تنها زادۀ وجود شاتوبریان است.

آلفونس دولامارتین ۲

من میخواهم یا شاتوبریان باشم یا هیچ.

ویکتور هوگو

بنائی که قرنها پیش بدست نویسندگان یونان برپا شده و برور رحمان فروریخته بود، باز بدست شاتوبریان استوار گردید. شاتوبریان هم شر را با قسمتی از قلمرو طبیعت که سالها از چشم مردمان پنهان بود آشنا کرده و هم در دل او حزن و اندوهی جای داده است که اثر آن در جمله آثار ادبی این عصر هویدا است.

توفیل گوتیه ۳

تمام اشخاصیکه از جهات مختلف در راههای ادبی این قرن برآماده اند در نخستین مرحله سمر با شاتوبریان برخورد کرده اند. که میتواند انکار کند که کلیۀ مردان ادب این عصر برای نگارش آثار خویش از شاتوبریان کمک خواسته اند.

اوغوستن تیری ۵

۱ - خاطرات سنت هلن.

۲ - کتاب دورۀ خانگی ادبیات، قسمت صد و چهل و پنجم.

۳ - پاداشتهای کودکی

۴ - Emile Faguet در کتاب «قرن نوزدهم».

۵ - Théophile Gauthier در کتاب «تاریخ رمانتیسیم».

کلمه « شاتوبریان » یکی از بزرگترین نام‌هایی است که در تاریخ ادبیات فرانسه نقش بسته است. شاتوبریان بر سر دو راهی ادبیات ما ایستاده، از یکطرف سبکی را که سه قرن متوالی حکمفرما بود منسوخ کرده و از طرف دیگر شیوه نازهای ایجاد کرده است که تا کنون دوام دارد و مدت‌های دراز نیز ادامه خواهد داشت.

۱. امیل فاکله

شاتوبریان تنها نویسنده ایست که نثر او لطافت و زیبایی نظم دارد. خیلی از نویسندگان دیگر توانسته‌اند افکار خود را بصورت جملات خوش آهنگ در آورند، لیکن سبک « نثر منظوم » سبکی است که مخصوص شاتوبریان است.

۲. شندوله

در مسابقه نقاشی ماهرانه طبیعت کسیکه فاتح شده است روسونست، شاتوبریان است.

۳. رایس متقدم معاصر امریکائی

لامارتین در کشور شعر همان انقلابی را افکند که شاتوبریان در کشوری وسیع‌تر بنام نثر بر ساگرد شاتوبریان شیوه نویسنده‌گی فرانسه را تغییر داده و لامارتین آنرا بصورتی تازه بر بنیاد نهاده است. بجز شاتوبریان و لامارتین که میتوانست جرئت اقدام بدین دو کار بزرگ داشته باشد ؟

۴. یکی از نویسندگان معاصر

شاتوبریان بزرگترین ستاره ایست که در آسمان ادبیات ما میدرخشد. تنها در فروغ این ستاره است که ما توانسته‌ایم درین شب ظلمانی تا این درجه دروادی ادب پیش رویم.

۵. مادام دو استال

من در محل تلاقی دو رودخانه بزرگ که هر یک از سوتی روانند ایستاده‌ام:

۱ - Augustin Thierry در کتاب « تاریخ فرانسه » .

۲ - Chenedollé در کتاب « نیوغ بشری ».

۳ - این جمله که متعلق به یکی از نویسندگان اخیر فرانسوی است در باکالورتای سال ۱۹۳۵ پاریس بمسابقه گذاشته شده بود تا دانشجو بیان عقیده خود را در باره آن اظهار کنند.

۴ - Madame de Staël، نقل از مجموعه هاشت .

یکی ازین دو قرن هجدهم نام دارد و دیگری قرن نوزدهم.

من تنها کسی هستم که خویشتین را متهورانه بدرون این دورود عظیم
افکنده و آرامش عایشان را برهم زده‌ام: از یک سو ساحلی را که از
آنجا آمده‌ام در پشت سر گذاشته و از طرف دیگر با امیدواری بسوی ساحل
جدیدی که هنوز برایم ناشناس است شنا می‌کنم.

شاتو بریان



یای نظر کلی در مجموعه

آثار شاتوبریان

کتاب رنه در حقیقت فصلی کوچک از یکی از کتابهای شاتوبریان
بیش نیست و مجموعه این کتابها که آثار شاتوبریان را تشکیل میدهد صدها
از این قبیل فصول را شامل است .

البته برای شناسائی این آثار باید اصل کتابها را خواند ، لیکن
برای خوانندگان عزیز رنه که بدین کتب دسترسی نداشته یا دارای وقت کافی
برای مطالعه آنها نیستند خلاصه‌ای که من ذیلاً از هر یک از کتب معروف او
نقل میکنم بیفایده نخواهد بود :

جلال مسیحیت (Génie du Christianisme) - می‌توان گفت
این کتاب بزرگترین اثری است که شاتوبریان در زندگی خویش انتشار
داده است .

چنانکه از نام آن هویدا است سراسر کتاب بوصف جمال و جلال
آئین مسیح اختصاص دارد ، زیرا نگارش آن در دوره‌ای از زندگی او صورت
پذیرفته که اندیشه مذهب کلیه احساسات دیگر او را تحت الشعاع خود
گرفته بود .

نگارش «جلال مسیحیت» از سال ۱۷۹۸ آغاز گردید و انتشار آن
در ۱۴ آوریل ۱۸۰۳ یعنی چهار روز پیش از عید پاک که در آن «کونکورد ۱»
اعلام گردید صورت گرفت . هرج و مرج اخلاقی شدیدی که در پی انقلابات
چندین ساله مخصوصاً بر اثر تبلیغات ضد روحانی انقلابیون حکم فرما
شده بود باعث گردید که این کتاب پس از انتشار طرف حسن استقبال

۱- این پیمان در آوریل ۱۸۰۲ بین پاپ پی نهم و ناپلئون بناپارت منعقد گردید
و تازمانی که حکومت فرانسه رسماً بی مذهب اعلام شد (۹ دسامبر ۱۹۰۵)
باعبار خود باقی بود .

فراوان واقع شده و در محافل ادبی و مذهبی مورد مباحثات فراوان قرار گرفت .

از آن پس مدتی دراز ستونهای روزنامه‌ها از تخریض ها و تنفید های مربوط بدین کتاب آکنده شد و مخالفان جدی ادبای کهن سال و اعضای فرهنگستان فرانسه غالباً بحق و گاه بناحق تالیست سال بعد دوام یافت ، چنانکه شاید شاتوبریان حق داشت برای همیشه قلم را بشکند و دفتر را ببندد . لیکن او که چون سایر مردان بزرگ بخویشتن اعتماد داشت با از میدان پس نکشید و در عین حال تالیست سال بعد در دفاع از خویشتن چیزی نگفت ، لیکن در سال ۱۸۲۶ که طبع مجموعه آغاز خود را آغاز کرد دیباچه فصلی بنام «دفاع از جلال مسیحیت» ۱ بر این کتاب نوشت و درین مقدمه بکلیه انتقادهای پاسخ گفت و بکلیک را رد کرد . این دفاع چنین آغاز میشود :

« برای نویسنده ای که از هر سو مورد حمله واقع شده است ، هایدیک پاسخ شایسته پیش نباشد و آن خاموشی است ، زیرا خاموشی بهترین وسیله است که می تواند شرافت یک مصنف را در انظار عموم محفوظ دارد .

اگر کتابی که طرف انتقاد واقع شده خوب باشد تنقید خود بخود بی اثر خواهد گشت ، و اگر بد باشد تعسیر و دفاع ارزش آنرا بالا نخواهد برد .»

با وجود بدگویی های فراوانی که ازین کتاب باید بیطرفانه گفت که جلال مسیحیت تنها بزرگترین اثر شاتوبریان بلکه یکی از مغاخر ادبی فرانسه است و بهین دلیل است که گاهی شاتوبریان را بنام مصنف جلال مسیحیت می نامند . این اثر دو چهار جلد تنظیم شده و روی هم به ۲۴ کتاب که هر یک بیش از ۲۰ فصل را شاملند تقسیم می گردیده شاتوبریان در این کتاب اصول عقائد مسیحی و آثار منوی و روحی این آئین و نفوذ آنرا در ادبیات و صنایع و فنون اروپائی بطرز شاعرانه و

دانشبن تشریح کرده است .

نصبتین باری که جلال مسیحیت بطبع رسید دو داستان شیرین ضمیمه آن بود که یکی « آتالا » نام داشت و دیگری « رنه » . داستان اول کتاب ششم از قسمت سوم و داستان دوم کتاب چهارم از قسمت دوم آنرا تشکیل میداد .

این دو داستان که از همه جهت بهم مربوط و در عین حال جذابترین قسمت های این کتاب بود بزودی بخواهش خوانندگان جداگانه بطبع رسید (۱۸۰۵) .

« آتالا » یا « عشق وحشی ها » شرح زندگانی دختر زیبائی است که فریفته يك جوان وحشی شده او را از مرگ نجات میدهد و چندی بعد خود در اوان جوانی بناکامی جان میسپارد .

« رنه » که کمتر جنبه رمان دارد در حقیقت شرح تحول اخلاقی شگفتی است که از ابتدای قرن نوزدهم آغاز شده و تا سامروز دوام دارد و شاتوبریان نام آنرا « ابهام احساسات » یا بدبینی بشر عصر جدید نهاده است. این کتاب را شرح زندگانی خود شاتوبریان نیز میتوان شمرد .
شهدا Les Martyrs - ایسن کتاب در ماه مارس ۱۸۰۹ انتشار یافت و شاتوبریان برای تگارش آن بیش از هفت سال رنج برده بود . سفرهای او به یونان و فلسطین و سپس به مصر و تونس و اسپانی مخصوصاً بمنظور تکمیل اطلاعاتی که برای نوشتن شهدا لازم داشت انجام گرفت و آثار دیگر او که بعدها درین باره انتشار یافت از فروع این کتاب محبوب میشود .

درین کتاب مصنف در ضمن داستانی شیرین، رنجها و آلام فدائیان مذهب را شرح داده و مشکلاتی را که برای مردان خدا در راه ترویج آئین عیسی پیش آمده بایبانی شاعرانه و مؤثر مجسم ساخته است .

در اواخر قرن سوم بعد از میلاد که مسیحیان سخت گرفتار شکنجه دیوکلسین امپراتور روم هستند مردی عیسوی بنام « اودور » دختر یکی از

کشیشانی را که مورد تعقیب قرار گرفته‌اند در پناه خویش می‌گیرد و در همین وقت خداوند در آسمان بفرشتگان خبر می‌دهد که این دوجوان باخون خویش گناهان مسیحیان بی‌شاری را که ازین پس با بوجود خواهند نهاد خریداری خواهند کرد .

پس از آن اودور داستان زندگانی خود را با پدر فراری دختر در میان می‌گذارد و این داستان زمینه کتاب شهدارا تشکیل می‌دهد .

بعدها اودور زندانی می‌شود و پس از مدتی دختر را که به امر خداوند بایتالیا رانده شده ملاقات می‌کند و این دو نفر بعد از آنکه کنسالتین امپراتور آینده رم را آئین مسیح آشنا می‌کنند بایکدیگر جان می‌سپارند . داستان شهدارا به ۲۴ کتاب و ۲۴ ضمیمه مفصل که هر یک تقریباً باندازه کتاب مربوطه است تقسیم شده است .

سفر امریکا Le Voyage en Amérique - این کتاب شیرین‌ترین سفرنامه های شاتوبریان است . سفر امریکا که در حقیقت شرح وقایع سال ۱۷۹۱ است در سال ۱۸۲۷ جزو نخستین مجلدات آثار کامل شاتوبریان انتشار یافت . درین کتاب شاتوبریان تحقیقات مفیدی را که در مدت کوتاه اقامت خویش از اوضاع طبیعی امریکا کرده است شرح می‌دهد و با قلم شیوای خویش اسرار سرزمین‌های وسیعی را که پیش از او کسی بدانها رخنه نکرده بود از پرده برون می‌افکند . جذاب‌ترین قسمتهای این سفرنامه بخشی است بنام یادداشت بی‌تاریخ که در آن شاتوبریان وقایع اقامت چندروزه خود را در جنگلهای اطراف نیاگارا شرح می‌دهد .

در مقدمه این کتاب می‌نویسد که برخلاف عقیده عموم ، پیش از کریستف کلمب نیز کسانی توانسته بودند در سرزمین امریکا راه یابند . منجمه در سال ۱۰۰۱ میلادی یک نفر ايسلندی بنام « بیورن » هنگامی که بقصد سفر بگروتنلند در کشتی نشسته بود بر اثر طوفانی شدید بسوی جنوب‌غربی رانده شد و در آنجا بزمینى که از جنگل پوشیده بود پای نهاد . در بازگشت

بگروئنلند داستان خود را برای «لایف» ۱ پسر «اریک راودا» ۲ مؤسس مستعمره بزرگ نروژی گروئنلند حکایت کرد و این بار هر دو در کشتی نشسته بدانسوی شتافتند و دوباره به سرزمین اسرار آمیز قدم نهادند. هنگام گردش بیک جزیره سنگلاخ رسیده آنرا هللند ۳ و ساحل پر شن آن را مارکلند ۴ نام نهادند. سپس قسمت اعظم از خاک امریکای شمالی را طی کردند و یکی از نقاطی را که از درخت موپوشیده بود به پیشنهاد بیک ملاح آلمانی «وینلند» ۵ نام نهادند و از آن زمان وینلند از طرف گروئنلندی‌ها مسکون گردید. در سال ۱۱۲۱ «اوک اریک» ۶ از گروئنلند بدانجا رفت تا آئین عیسی را به بومیان تعلیم دهد و تا هنگام مرگ در همانجا ماند.

ناچرها Les Natchez - این کتاب در سال ۱۸۲۶ انتشار یافت، لیکن شاتوبریان طرح آن را از سال ۱۷۹۱ که با امریکا سفر کرد ریخته بود. دو کتاب «آنال» و «رنه» در حقیقت فصولی از کتاب ناچرهاست و این داستان شیرین‌ترین تاریخی است که درباره زندگی بومیان امریکای شمالی و ماجرای استعمار لویزیان از طرف فرانسویها و قتل عام معروف اروپایی‌ها بدست وحشیان ناچری نگاشته شده است. داستان ناچرها به ۱۲ کتاب قسمت شده و موضوع آن آمدن یکنفر جوان فرانسوی بنام رنه بنزد وحشیها و زناشویی او با خواهریکی از پیشوایان قوم و سپس شورش ناچری‌ها و قتل او بدست برادرانش «اتوگامیز» است. شاتوبریان در ورود با امریکا با آخرین بازمانده خاندان رنه که از زن بومی او بجای مانده معارف میشود و از او شرح داستان میپرسد.

۱ - Leif

۲ - Eric Rauda کاشف و سپاهستمدار بزرگ نروژی

۳ - Hellelland

۴ - Marcland

۵ - Vinland

۶ - Eric مرد روحانی بزرگ نروژ که به دست وحشیان

گروئنلند بقتل رسید.

آثار دیگر شاتوبریان — میان سایر آثار شاتوبریان سفرنامه‌ها

و نطق‌ها و مقالات سیاسی او از همه جالب‌تر است.

قسمتی از این مقالات سیاسی یا سفرنامه‌ها بدین‌قرار است :

«مجموعه مقالات ادبی و سیاسی» که مقاله مهیج «بوتوناپارت

و بوربن‌ها» جزء آنست

«تجزیه تاریخ فرانسه» باضمام «شرح زندگانی و مرگ دوله

دوبری» که بعدها «خاطرات اسارت دوشس دوبری» نیز بدان

ضمیمه گردید.

در کتاب «تبعات تاریخی انقلاب فرانسه» شاتوبریان دودبای

قدیم و جدید را با یکدیگر مقایسه کرده و سیاستی را که آلمان در دوره

انقلاب کبیر نسبت به فرانسه پیش گرفته بود با سیاست ایران قدیم نسبت به یونان

تشبیه مینماید.

این کتاب بدو قسمت میشود : قسمت اول شامل تاریخ ایران و یونان است

که در آن قوانین سیاسی و جنگی ، ادبیات ، صنایع و مذهب ایرانیان قدیم

تشریح شده است . قسمت دوم مربوط به شروع انقلاب کبیر فرانسه است . آخرین

فصل کتاب موسوم است به «شبی در نزد وحشیان امریکا» که زمینه دو کتاب

آتالاورنه بشار می‌رود .

در قسمت دوم این کتاب فصل شیرین دیگری است بنام «کدام مذهب

جانشین مسیحیت خواهد شد؟» که در آن شاتوبریان نظریات خود را درباره

مذاهب شرح می‌دهد .

دو کتاب دیگر که شایان ذکرند عبارتند از :

«مباحث سیاسی و ادبی» و «تبع ادبیات انگلیسی» که

کتاب «زندگانه رانه» و ترجمه «بهشت گمشده» میلتون نیز

ضمیمه آنست .

آخرین این سراج Le dernier des Abencérage — این

رمان در سال ۱۸۰۷ نوشته شد و در ۱۸۲۶ انتشار یافت و منظور از

طبع آن چنانکه گفته شد این بود که کتاب شهدا را کامل کند . درین

داستان شیرین شاتوبریان وقایع زندگی آخرین فردخاندان خلفای مسلمان اسپانیا و انقراض این سلسله را در زمان ابن حامد شرح داده و در آن قطعه بسیار زیبایی بنام «شب الحمراء» گنجانیده است .

Les Mémoires d'Outre - tombe **خاطرات بعد از مرگ**

این کتاب بعد از «جلال مسیحیت» شهرین ترین و مهمترین آثار شاتوبریان بشمار میرود و شاتوبریان در آن حوادث زندگی خود را از آغاز تا دو سال پیش از مرگ نقل کرده و این خاطرات را بقضیه اسارت دوشس دبری خاتمه میدهد . دشمنی فراوان شاتوبریان با ناپلئون درین کتاب که در آن بناپارت جانی و خونخوار و درنده و امثال اینها لقب میگردد بخوبی هویدا است .

خاطرات بعد از مرگ بچهار قسمت تقسیم میشود که قسمت اول وقایع ۱۷۶۸ تا ۱۸۰۰ (۹ کتاب) و قسمت دوم از ۱۸۰۰ تا ۱۸۱۴ (۵ کتاب) و قسمت سوم از ۱۸۱۴ تا ۱۸۳۰ (۱۵ کتاب) و قسمت آخر از ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۶ (۱۰ کتاب) را شامل است و بنا بر این مجموع این خاطرات به ۳۹ کتاب تقسیم شده است .

اشعار شاتوبریان

شاتوبریان چنانکه خود میگوید پیش از اشتغال بنویسندگی مدتی بشاعری پرداخت، لیکن بزودی ازین کار دست برداشت و جز اشعار مختصری که یادگار نخستین سالیان زندگی اوست چیزی از وی باقی نماند . جذباترین این قطعات قطعه ایست بنام «مناظر طییمت» که در فاصله سالهای ۱۷۸۴ و ۱۷۹۰ سروده شده و شاتوبریان ترجمه اشعار قهرمان گالیک را که متعلق به «جرف اسپت ۱» است نیز بدان افزوده است .

آ ترهای شاتوبریان

شاتوبریان بمقتضای دوره خویش چندی در صدد نوشتن نمایشنامه

نیز بر آمد و تراژدی جامعی بنام « موسی ۱ » بنگاشت، لیکن این رشته را نیز بزودی ترك گفت و جز همین يك اثر در تاریخ تآثر نامی از او باقی نماند، این يك پيس را نیز هرگز نمایش ندادند و علت آن مخالفت خود شاتوبریان بود.

شاتوبریان در مقدمه طبع سال ۱۸۴۱ این پيس مینویسد :
« خیلی ها از من خواسته اند که اجازه دهم «موسی» بر صحنه تآثر ظاهر گردد .

نمیدانم چگونه من که موجد مکتب رمانتیک و استاد ادبیات فرانسه هستم و نا کتون آثاری مانند آنالاوره انشار داده ام میتوانم حاضر شوم که این اثر کوچک و محقر کلاسیک را عرض نمایش در آورند ؟



باطبع تآرهما و اشعار شاتوبریان مجموعه کامل آثار او خواننده میپذیرد و این مجموعه در چاپ پيس سال ۱۸۶۲ رو بهم رفته در حدود ۶۰۰۰ صفحه بقطع بزرگ را شاملست .

۱ - Moïse

۲ - ذکر این نکته بی مناسبت نیست که شاتوبریان بجز حق نمایش این پيس، مابقی حقوق خود را درین باره بینگاههای مختلف فروخته بود .

رنه

داستان کوچک « رنه » که در ۱۴ آوریل سال ۱۸۰۲ انتشار یافت بعقیده خود شاتوبریان یکی از بهترین آثار اوست . این کتاب آئینه‌ای از روح حساس و زود رنج نویسنده است که با عقاید و افکار عمومی و فلسفی در هم آمیخته و قهرمانی بصورت رنه پدید آورده است که درحقیقت چنانکه درسطور بعد خواهیم دید کسی بجز خود شاتوبریان نیست . شاتوبریان همیشه از دست بدبینی و یاسی که درونش را بسختی میخراشد ناله میکند، در میان جنگلها و بالای کوهها ، در زیر درختها و در دل بیابانها ، همه جا دواي درد خود را میجوید و جستجوی آبی میکند که بر آتش سوزنده قلب خویش زبند .

سراسر داستان رنه ناله‌هایی است که وی درین مواقع از دل بر میآورد و بدینوسیله از همه کس و همه چیز شکوه میکند .

« رنه » مظهری از غم‌انگیزترین احساسات بشری و سخت ترین هیجان های روحی اوست . درین کتاب شاتوبریان با شیوه‌ای دلنشین سرگذشت احساسات دوران جوانی را بیان میکند و پست و بلندی های روح جوانان را شرح می‌دهد و آنگاه ثابت میکند که سعادت و نیکبختی رؤیای آشفته‌ای پیش نیست .

سپس ناگهان بغود می‌آید و به تکذیب تمام گفته های پیشین می‌پردازد . درین کتاب حس اندوه و یاس دائمی این نویسنده حساس با عقاید مذهبی و اجتماعی او در آمیخته و قهرمانی بوجود آورده است که در فرانسه « قهرمان شوم » یا « قهرمان یاس‌ا » لقب دارد .

درین اثر شاتوبریان با طرزی غم‌انگیز احساسات و افکار

خویش را شرح میدهد، خود را از روزنه چشم خویش مینگرد و آنچه را که می بیند با کمال صداقت ترسیم میکند، دریچه ای از روح بر تلاطم و حساس خود می کشاید و سراسر کتاب را از شکوه و اندوه می آکند، و بدین طریق گفته مشهور مادام دواستال را که «غم ورنج مرئی حقیقی قریحه بشری است» تأکید میکند.

خود او درین داستان از زبان آملی خواهرزده میگوید:

«اگر می خواهی سعادتمند باشی از عقل و هوش خویش بکاه و بصورت مردمان عادی در آی، زیرا دانائی بجز تیره روزی چیزی بدنبال ندارد.» شاید خواندن کتاب های «الوئیز جدید» روسو و «ورنر» گوته بود که شاتوبریان را با سنج شخصیت رنه آشنا کرد و او خود بعد ها آن افکار را با احساسات شدید مذهبی خویش در آمیخت و رنه را بوجود آورد. این کتاب در حقیقت اعلان جنگ با افکار ضد مذهبی است که در آن زمان در اروپا شدت رواج داشت.

در کتاب سوم از قسمت دوم حلال مسیحیت شاتوبریان «خطر جدید بشریت ۱» را که مخالفت با مذهب است تذکر میدهد و نتایج شوم تنهایی و انزوا را که در آن زمان تقریباً در همه جا رواج یافته بود گوشزد میکند. در فصل ابهام احساسات که بگفته خود او بمنزله مقدمه رنه است این عقیده بخوبی تشریح شده است.

رنه چنانکه خود شاتوبریان اعتراف دارد داستانی غم انگیز و یأس آور است، لیکن شاید تصور اینکه منظور شاتوبریان از نوشتن این کتاب تنها ایجاد غم و اندوه بوده است شایسته نباشد، زیرا خود او مخصوصاً در جای دیگر میگوید: «... و نیز باید بگویم که منظور من از آنچه مینویسم این نیست که قطرات اشک از دیدگان فرو چکانم. بر عکس من با این کلام ولتر که «بهترین آثار آلهائی است که بیشتر میگریاند» کاملاً مخالف هستم. هیچ نویسنده ای نمیتواند ادعا کند که چون توانسته است خواننده خود را دچار